

صحيفة الحسن عليه السلام

[205] بن علی علیهما السلام بفرست و بگو بالای منبر رفته و خطبه بخواند، شاید در سخن گفتن عاجز شود، و بدین وسیله او را در هر محفلی از این جهت مسخره خواهیم کرد، معاویه نزد ایشان فرستاد، امام بالای منبر رفت، در حالیکه مردم ورؤسای اهل شام جمع شده بودند، امام حمد و ثنای الهی گفت، آنگاه فرمود: اَی مردم ! هر که مرا می شناسد که مرا می شناسد، و آن کس که مرا نمی شناسد بداند من حسن پسر علی بن ابی طالب هستم، من پسر پیامبر خدایم، پسر آن کس که خداوند زمین را برایش پاك و سجده گاه قرار داد، من پسر چراغ فروزان و فرزند پیامبر بشارت دهنده و بیم رسانم، پسر آخرین پیامبران، و پیشوای فرستادگان، و رهبر پرهیزگاران، و برگزیده پروردگار جهانیا نم، من پسر کسی هستم که بعنوان رحمت بسوی جهانیا فرستاده شد، و من پسر کسی هستم که بر جن و انس برانگیخته شد. معاویه که از سخن امام به سختی افتاده بود، سخن ایشان را قطع کرد، و گفت: اَی ابا محمد، از این سخنان ما را واگذار، و از ویژگیهای خرما برای ما سخن بگو - قصد او آن بود که امام خجالت کشیده و سخن نگوید - امام فرمود: آری، خرما بوسیلهء باد بارور می شود، و حرارت خورشید آن را می پزد، و خنکی شب آن را خوشبو و تازه اش می کند، آنگاه امام به سخن اول خود بازگشت و فرمود:
